



# امی آفتاب

برگرفته از آثار علامہ

مختصر صفا حکیمی

# امی آفتاب

برگرفته از آثار علامہ محمد رضا حکیمی



ای آفتاب (برگرفته از آثار...)

محمد رضا حکیمی

انتشارات دلیل ما

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۸

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: نگارش

قیمت: ۷۰۰ تومان

شابک: ۳ - ۵۸۸ - ۳۹۷ - ۹۶۴ - ۹۷۸

آدرس: قم، خیابان معلم، میدان روح‌الله، پلاک ۶۵

تلفن و نمابر: ۷۷۴۴۹۸۸ - ۷۷۳۳۴۱۳ (+۹۸۲۵۱)

صندوق پستی ۱۱۵۳ - ۳۷۱۳۵

WWW.Dalilema.com

مراکز پخش:

- ۱) قم، انتهای خیابان صفائی، بعد از کوچه شماره ۳۹، پلاک ۷۵۹،  
طسبقة دوم، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۷۷۳۷۰۱۱ - ۷۷۳۷۰۰۱
- ۲) تهران، خیابان انقلاب، خ فخررازی، فروشگاه دلیل ما، پلاک ۶۱، تلفن ۶۶۴۶۴۱۴۱
- ۳) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان،  
مجتمع تجاری گسنگینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۲۲۳۷۱۱۳ - ۵

سرشناسه: حکیمی، محمد رضا، ۱۳۱۴ -

عنوان و پدیدآور: ای آفتاب / برگرفته از آثار علامه محمد رضا حکیمی.

مشخصات نشر: قم: دلیل ما، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۶۰ ص.

شابک: 3 - 588 - 397 - 964 - 978

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - - - - -

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۱۶ آ ۹۷ / ۸۰۲۲ PIR

شماره رده دیویی: ۶۲ / ۸۶

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۶۰۱۹۶

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اسلام على المهدي ...  
الذي يملأ الأرض قسطاً و عدلاً ...

درود بر مهدی  
زنده کننده قرآن  
ونجات دهنده انسان.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«حزب الله»

« خلقی که در انتظار ظهور « مصلح »

بسر می برد، باید خود « صالح » باشد. »

« خورشید مغرب ».

گر باد فتنه، هر دو جهان را به هم زند  
ماو، چراغ چشم و، ره انتظار دوست  
- «حافظ».

۱

ای سرّ توحیدِ ازل، در طالع تقدیرها!  
ای نور ذات جلوه‌گر، در جلوه‌ها، تصویرها!  
در ذات ذرات جهان، هر دم ز تو تأثیرها!  
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!  
عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی?!

\*

۲

ای از افسقهای قِدم، تابیده‌ای بر کائنات !

اندر بیان تو بود، آیات حق را بیّنات !

ای بیّنات حق و عدل، ای رایت راه نجات !

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی !؟

مقهور افکار قرون، آیات قرآن تا به کی !؟

\*

ای عالم ایجاد را، حکمت تویی، حشمت تویی!

ای خلق را از سوی حق، نعمت تویی، رحمت تویی!

ای «عقل» را «هادی» تویی، وی «نقل» را حجت تویی!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!

عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی؟!





با اذن خالق جهان، تو روح آشباحی همه!

ارواح چون جسمند و تو، خود جان ارواحی همه!

در آیه «نور علی»، مشکات و مصباحی همه!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!

بی بهره، اینسان عقلها، در روزگاران تا به کی؟!



ای چشم بیدار وجود، ای مطلع نور شهود!

ای ما نمود و ای تو بود، ای ذات اعلی را نمود!

ای قائم دربار جود، ای سرّ آدم در سجود!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!

عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی؟!



۶

ای روشنی سر جان، ای از تو یکسر نور دل!

ای نور دل، ای شور دل، ای موسی دل، طور دل!

ای کز فروغ نام تو، امضا شدی منشور دل!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!

دور از جهانی پر گنه، آن ابر غفران تا به کی؟!

\*



ای غیب ظاهر در نهان، ای نور باطن در جهان!  
ای مطلع فیض روان، از بیکران تا بیکران!  
آفاقها در مُلک جان، از تابش نورت عیان!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟  
عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی؟



۸

ای راز حرف مخفی، در بطن اسماء و سُور!

ای کز مؤثر می رسد، هر دم ز یمن تو اثر!

اندر کف تو بگذرد، گاهی قضا، گاهی قدر!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!

بر پهنه گیتی روان، فرمان شیطان تا به کی؟!

\*

از فیض تو، تسبیح خوان، ارواح ذرات جهان!  
بی تو جهان، تاریک جان!، خالی ز نور جاودان!  
اینک ز هر جای جهان، فریاد می خیزد که هان!  
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!  
عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی!؟



یک شب، در این آفاق شب، بشکُف چنان روح فَلَاقِ!  
افروز گیتی را بجان، با رنگ خونبارِ شفق!  
تا روح بیداد و ستم، گردد اسیر عدل و حق!  
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!  
در دست دیوان و ددان، ملک سلیمان تا به کی?!



سیر تکاپوی زمان، در «دور»ها تدبیر شد!  
راز تقادیر زمین، در «عصر»ها تقریر شد!  
اکنون ظهور آخرین، بر طالعیت تقدیر شد!  
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!  
عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی?!





راه ستم را از جهان، انسان که می‌دانی بزن!

منشور داوودی بخوان، تخت سلیمانی بزن!

کوس علوم احمدی، بر بام «فارانی»<sup>۱</sup> بزن!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!

افکار «باطل باوران»، در تاب و جولان تا به کی؟!



---

۱. «فارانی»، نام کوهی در «مکه مکرمه».

یکدم چنان سوز سحر، بفروز در سرّ نظر!

وین جان خاکی را رسان، تا حضرت فیض قدر!

شاید که یابد سرّ سر، تا عرش رحمانی گذر!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!

عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی؟!



گیتی ز تو بالذ به خود، عقل از تو، نورانی بود!  
افکار اقوام و ملل، در مدرست فانی بود!  
با علم تو، این علمها، یکسر چو نادانی بود!  
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟  
خلق جهان بی بهره زان، علم فراوان<sup>۱</sup> تا به کی؟

\*

---

۱. «الْعِلْمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ» ← اوست پرچم افراشته و دانش انباشته» - «زیارت آل یس».

تو نور یزدانی بیا، تو سرّ دورانی بیا!

تو جان هر جانی بیا، تو پیک جانانی بیا!

تو فجر قرآنی بیا، تو رمز ایمانی بیا!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!؟

عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی؟!؟



جدّت علی گوید همی، احیاگر قرآن تویی!

تأویل عرفانی کجا، «تنزیل» را، تا جان تویی!

ای ترجمان وحی حق، این وحی را تبیان تویی!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!

وحی الوهی اینچنین، بی شرح و تبیان تا به کی؟!

\*

«الله اکبر» را، ز تو، باید که عالم بشنود!

این بانگِ «دوران ساز» را، فرزند آدم بشنود!

با صدقِ صدیقانِ حق، گیتی، به یکدم، بشنود!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!

عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی؟!



حَقُّ تلاوت زانِ تو، انسان که می خوانی، بگو!

صد جلوه کرد آیات حق، در «حرف» و چون دانی، بگو!

ای آیت کبریٰ یکی، زان حرف نورانی، بگو!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!؟

انسان همه، دور اینهمه، ز اسرار فرقان تا به کی؟!؟



از خطبه‌های فاطمی، باید که خود تو دم زنی!

از شور عاشورا همی، ظلم جهان بر هم زنی!

بر بام بیت الله شوی، با دست خود پرچم زنی!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!

عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی؟!





از ظلم جبّاران نگر، گیتی سراسر شور و شر!  
اندر سقوط مستمر، در هر کجا نسل بشر!  
زین آتش گیتی گذر، عالم همه غرق شرر!  
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!  
صهیون به خون مسلمین، آغشته دندان تا به کی?!



ای هر چه گل در گلستان، یک ذره از رویت نشان!

ای از سوی منظومه‌ها، سر در قدمت کهکشان!

از دوریت جانها همه، آتشفشان، آتشفشان!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!

عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی؟!



ای نوح! با کشتی بیا، بنگر که طغیان تا کجا؟  
عالم سراسر غرقه در، امواج طوفان تا کجا؟  
طوفان ظلم ظالمان، گسترده دامان تا کجا؟  
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!  
نسل جوان سرخورده زین، وضع پریشان تا به کی!؟



از سرّ اسماء مبین، یاری رسان بر اهل دین!  
با قهر قهّار متین، نابود کن مستکبرین!  
ای در همه روی زمین، یاریگر مستضعفین!  
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!  
عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی?!



خون شهیدان بشیر، اندر شقایقها تویی!

اسرار گنه معرفت، عین حقایقها تویی!

احیاگر عدل و کرم، بهر خلایقها تویی!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!

قرآن و عدل و داد و دین، بر طاق نسیان تا به کی؟!



ای شمع آفاق خرد، عقل بشر را زنده کن!

ای «علم مصیوب» ابد، جانها همه تابنده کن!

از آن معارف سر بسر، آفاق را آکنده کن!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!

عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی؟!

\*



تو « حمد » و « أعراف » ی، بیا، تو سوره « قاف » ی، بیا !  
از جمله پیغمبران، مجموع اوصافی، بیا !  
« نهج البلاغه » تا ز تو، شرحی شود، کافی، بیا !

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی ؟ !  
فریاد جدت همچنان، در چاه پیچان تا به کی ؟ !



ای اسم اعظم، هان، بدم، سرّ الهی ! جلوه کن !  
از بهر نشر عدل و حق، تا ماه و ماهی، جلوه کن !  
آندم که خواهی، رخ نما، انسان که خواهی، جلوه کن !  
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی ؟!  
عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی ؟!





از سرّ «یس» آیه‌ای، با خون عاشورا، بخوان!  
ز آن خطبه‌های آتشین، با مادرت «زهرا»، بخوان!  
با عمّه‌ات «زینب» همی، رمز نجات ما، بخوان!<sup>۱</sup>  
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟  
گیتی، اسیرِ فتنهٔ قارون و هامان تا به کی؟



---

۱. انسان که زینب کبری «س»، فریاد فراگستر عدل را، در دل کاخ سیاه ستم بسنیادِ دمشق، فریاد کرد...: «أَمِنَ الْعَدْلُ، يَا ابْنَ الْطُّلُقَاءِ!؟».

هر جا روان مستکبران، شیطان امیر کاروان!؟

انسان حقیر و ناتوان، جنگ صلیبی شد عیان!؟

قدس و نجف را این خسان، بشکسته حرمت همچنان!؟

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی!؟

عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی!؟



۳۰

ای رایت خشم خدا، مستکبران را خوار کن!

ای آیت نصر و هدی، این خلق را بیدار کن!

ای عزت حق باوران، حق را به نصرت یار کن!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!؟

رایات حق اندر جهان، اینسان نگونسان تا به کی؟!؟

\*



نسل جوان، نسل جوان، سر خورده گشت و بی توان!  
زیرا ندید اندر میان، از عدل و از قسطی نشان!  
قارونیان بس چیره تر، بر «کیل» و «میزان» همچنان!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!

عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی؟!



جز از دم فیاض تو، انسان نیابد تربیت!

جز با قیام دولتت، عالم نبیند معدلت!

جز از علوم ناب تو، حاصل نیاید معرفت!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!؟

جُستن خود از خشکابها،<sup>۱</sup> آب فراوان تا به کی؟!؟

\*

---

۱. اشاره به مضمون حدیثی عظیم، در شناخت و معرفت، از حضرت امام محمدباقر «ع»

«اصول کافی»، ج ۱، ص ۲۲۲.

راز حروف «سوره»ها، در سرّ «الرَّحْمَن»، تویی!

در خَلْق نَفْسِ الْأَمْرِها، ظرفیت امکان، تویی!

بر واقع توحید حق، برهان صدیقان، تویی!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!

عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی؟!



ای وارث پیغمبران، ای صاحب عصر و زمان!  
ای «سوره قدر»ت، نشان، در شام تقدیر جهان!  
یکره ز فتح آسمان، رمزی به گیتی کن عیان!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!  
اینگونه گیتی شعله‌ور، از ظلم دونان تا به کی?!

\*



این ظالمان روسیه، کردند عالم را تبه !  
روز بشر زین «ظلم» ها، گردید چونان شب سیه !  
هر جا رسیدندی، ستم، هر جا کشیدندی، سپه !  
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی ؟ !  
عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی ؟ !





مستکبران با کَرّ و فر، مستضعفان محروم‌تر!

هم خارجی، هم داخلی، بر ظلم بستندی کمر!

ایمان فتاده زیر پای، انسان شکسته بال و پر!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!

اهل «تکاثر» غاصبِ اموالِ ایران تا به کی؟!



ای مُنجیِ خلقِ خدا، جولانِ شیطان را نگر!  
ای مُحییِ «توحید حق»، «تأویل قرآن» را نگر!  
«توحید هندی» را ببین، «افکار یونان» را نگر!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!  
عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی?!

\*



آیا، ولیّ حق بود، راضی از این کردارها؟  
آیا، نتیجه، این شدی، از آنهمه ایثارها؟  
آیا، شهیدان جانفشان، رفتند و این رفتارها؟  
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!  
در انتظار قدمت، خون شهیدان تا به کی!؟



ای روح سبزه آبها، ای رونق مهتابها!  
ای گیتی از سر سبزیّت، سرسبز چون فارابها!<sup>۱</sup>  
ای خرّمی افزای دل، در گلشن محرابها!  
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!  
ای شادی جان بشر، دور از محبّان تا به کی?!

\*

---

۱. «فاراب» (پاریاب) - در اینجا - کشتزارهای سیراب و خرّم (وَبِکُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثُ).



۴۰

ای سینه، آتش سوز شو!، ای دل! جهان افروز شو!

هر دم ظهورش را طلب، هر جا طلب آموز شو!

فریاد زن، هر روز و شب، کای شام هجران، روز شو!

ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی!؟

عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی!؟

\*



پیامبر اعظم «ص»:

«اگر از عمر جهان خاکی جز یک روز باقی نماند  
خداوند همان روز را چنان طولانی کند،<sup>۱</sup> تا  
مهدی به درآید، و زمین پر از جور و ستم را از  
عدل و داد بیاگند.»

- (مدارک معتبر اهل سنت و شیعه)

---

۱. کنایه از حتمی بودن ظهور موعود نهائی «ع».

برگرفته از آثار ...

## شیعه و اسرائیل

در سال ۱۹۸۷، در تل آویو، سمیناری برگزار می شود، درباره شیعه و شیعه شناسی، از جمعی خاورشناس در رشته « شیعه شناسی »، نیز دعوت می شود و از شماری استادان اسرائیلی ... پس از بحث هایی که در آن جمع مطرح می گردد، سرانجام در روز پایان کار سمینار، یکی از استادان اسرائیلی سخنرانی می کند ... در آنجا می گوید:

ما با مسلمانان عرب و سنی مشکلی نداریم، آنان چندان متعرض ما نمی شوند. مشکل ما شیعه است. شیعه بر

اساس اعتقادات « دینی - مبارزاتی » که دارد، همه جا با ما درگیر است. از میان مبانی اعتقادی، آنچه بیشتر شیعه را وادار به مبارزه و درگیری می‌کند، تکیه آنان بر « عاشورا » و اعتقاد آنان به « مهدی » و ظهور آخرالزمان و غلبه بر جهان است. باید برای این دو موضوع فکری کرد.<sup>۱</sup>

این مطلب، در جزوه‌ای به وسیله « معاونت تبلیغات و اطلاعات اسلامی » منتشر شده است، که باید خیلی بیشتر و بیشتر منتشر می‌شد. این سمینار، چند سال پیش از فوت امام « ره » برگزار شده است. در آنجا یکی از خاورشناسان به امام و مبارزات ایشان نیز اشاره می‌کند.

---

۱. (نقل بتقریب عبارت، با حفظ دقیق معنی).



لیکن پس از فوت امام، همانگونه که ربایندگان ماده ( اموال، ثروت‌های ملی، حقوق ایتام کشور، انواع پورسانتها و رانت‌خواریها و ... ) جرئت خیانت پیدا کردند، و کردند آنچه کردند که تا به امروز رسید، و برخوردی جدی با آنان نشد ...

آری، به همانگونه هم - پس از رحلت امام - ربایندگان معنویت ( اعتقاد ستیزان و باورسوزان )، دست بکار شدند! اکنون جای سؤال است که چرا در این مبارزات اعتقادی و چالش‌های باوری، سهمی قابل، به «عاشورا» و حمله به عاشورا، و به مهدویت و حمله به اعتقاد به امام زمان «عج» اختصاص داده شده است؟!؟! ظاهر امر این است که نمی‌دانیم ...

اگر با کسانی چند و عملکردهای غیراسلامی یا ضد اسلامی آنان،

## ای آفتاب

حرف دارند، (که دیگران هم دارند)، چرا به اعتقادات مردم بخصوص نسل جوان و ایمان آنان - که سرمایه ابدی انسان است - حمله می کنند؟ آیا معتقد به سؤال و جواب نیستند؟! اینگونه کسان اگر اهل «نظر» اند نه اهل «منظور»، اگر اهدافی را تعقیب نمی کنند، و در ادعای خود صادقند، می توانند هر جا و در هر مورد، عملکردی غیراسلامی - و چه بسا ضد اسلامی - دیدند، آن را، با استناد به «قرآن کریم» و احادیث معتبر نبوی و اوصیائی، بصورتی چشمگیر مورد نقد و تشریح قرار دهند، چنانکه همین روش را، امام امیرالمؤمنین علی «ع»، به حُجر بن عَدی و یاران خود توصیه کرد.<sup>۱</sup>

---

۱. کتاب «صَفین»، ص ۱۱۵.

ای باد صبا، طرب فزا می آیی!  
از طَرَفِ کدّامین کف پا می آیی!  
از کوی که برخاسته‌ای، راست بگو!  
ای گرد به چشم آشنا می آیی!

۵۰

«عالم جامع، آقا حسین خوانساری، م ۱۰۹۹ ق»  
«دایرة المعارف تشیع»، ج ۷، ص ۳۱۶.

امام علی «ع»:

چون مهدی خروج کند، همه آراء تحمیل شده بر  
قرآن (فلسفی و عرفانی و ...) را بدور ریزد و  
قرآن را از آن همه پاک سازد، و (بر مبنای تعقل  
درست)، بر همه افکار و آراء حاکم سازد؛ و -از  
جنبه عمل - قرآن را که بدان عمل نکردند، زنده  
کند، و سنتها و روشهای پیامبر را احیا نماید.

- (نهج البلاغه، ص ۴۲۴-۴۲۵)

## مهدی موعود «ع» و وهابیان

مسلم بودن مهدی «عج» و قطعی بودن ظهور او در اسلام، بر مبنای احادیث نبوی و گفته‌های مکرر پیامبر اکرم «ص»، آن هم تنها در کتب علمای اهل سنت (صرف نظر از مدارک مهم شیعه)، تا حدی است که عالمان و محدثان وهابی نیز، در سال ۱۳۸۸ ق تقریباً، رساله‌ای منتشر کردند در اثبات اصل مسئله «مهدی» و ظهور آن حضرت در آخر الزمان، به تألیف عالم وهابی، علامه شیخ عبدالمحسن العباد، و به نام «عقیده اهل السنة والأثر فی المهدی المنتظر».

## ای آفتاب

این رساله، از سوی دانشگاه مدینه منوره چاپ و منتشر شد. سپس در قاهره<sup>۱</sup>، در «مکتبة السُّنة» به چاپ رسید (سال ۱۴۱۶ ق). طرح روی جلد چاپ قاهره را، در پایان، ملاحظه می کنید.

شیخ عبدالله بن باز، معاون وقت دانشگاه مدینه (که با شیعه هم سخت مخالف بوده است)، در مقدمه علمی خود بر این رساله، مطالبی بسیار مهم درباره قطعی بودن مهدی «عج» و ظهور او در آخر الزمان آورده و چنین تعبیری کرده است:

« فیما یَتَعَلَّقُ بِالْمَهْدِيِّ الْمُنْتَظَرِ، مَهْدِيُّ الْحَقِّ ... » ← این رساله

مشمول بر احادیثی است، درباره مهدی منتظر، مهدی بر حق ... ».

---

۱. طرح پشت جلد چاپ قاهره، اشاره است که در زمان ظهور سراسر جهان پر از «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» می شود.

سپس می گوید:

« حدیث مُتَوَاتِر، همه نوعش پذیرفته است. و احادیث مربوط به « مهدی » متواتر است، و عالمان و محدثانِ مورد اطمینان، تصریح کرده‌اند که احادیث مربوط به مهدی ثابت و متواتر است. و می بینیم که همه دانایان علم حدیث متفقند بر ثبوت امر مهدی و اینکه او بر حق است و در آخر الزمان ظهور خواهد کرد. و کسانی شاذ (خلاف باف) که برخلاف این نظر چیزی گفته‌اند، سخانشان قابل توجه نیست ... وَالْحَقُّ - كَمَا قَالَ الْأَئِمَّةُ وَالْعُلَمَاءُ فِي ذَلِكَ: أَنَّهُ لَا بَدَلَ لِخُرُوجِهِ وَظُهُورِهِ - و حق چنانکه پیشوایان علم و دین گفته‌اند، این است که خروج و ظهور مهدی قطعی

است». پس واجب است آنچه «پیامبر» ص - درباره  
ظهور قطعی مهدی «عج» - فرموده است قبول کنیم،  
و در برابر سخن پیامبر خدا، از جانب خود،  
اظهار نظر نکنیم».

این بود خلاصه‌ای از سخنان شیخ عبدالله بن باز.

در این مجال اندک نمی‌توانیم، مطالب مهم و مدارک فراوان و نیز  
سخنانی را که مؤلف اصل رساله، از بزرگان محدثین و علمای اهل  
سنت، نقل کرده است بیاوریم. عالمان اهل سنت، حدیثی را که ۱۰ نفر  
مختلف، از حضرت پیامبر اکرم «ص» روایت کرده باشند، آن را  
«متواتر» (ثابت و قطعی) می‌دانند، و ردّ بر آن را ردّ بر پیامبر  
اکرم «ص» می‌شمارند.





این است که حافظ کبیر عراقی، در «ألفیة الحدیث» خویش می‌گوید:

وَمَا رَوَاهُ عِدَّةٌ جَمٌّ يَجِبُ  
إِحَالَةُ اجْتِمَاعِهِمْ عَلَى الْكَذِبِ  
فَمُتَوَاتِرٌ، وَقَوْمٌ حَدَّدُوا  
بِعَشْرَةٍ، وَهُوَ لَدَيَّ أَجْوَدُ

۵۶

«هر حدیثی را که شماری چند، از راویان، روایت کرده باشند، باید آن را درست دانست، زیرا چنین حدیثی «متواتر» است. عده‌ای از محدثان گفته‌اند، برای این شمار، ۱۰ روای کافی است. و این قول (در باره ثبوت تواتر) در نظر من بسیار نیکو است.»

علمایی دیگر از اهل سنت - برای احتیاط بیشتر - عدد راویان

## ای آفتاب

حدیث متواتر را ۲۰ تن دانسته‌اند. در هر حال علامه عبدالمحسن العباد می‌گوید:

تا آنجا که من اطلاع پیدا کردم، احادیث مهدی «ع»، ۲۶ راوی دارد.

آنگاه آنان را طبق کتب حدیثی و دیگر کتابهای معتبر نام می‌برد که از خلیفه، عثمان بن عفان و امام علی «ع» می‌آغازد، تا جابر الصّدفی (ص ۱۳). بنابراین، عقیده اهل سنت، حتی وهابیان، درباره مهدی و ظهور او ثابت و مستند، و مبتنی بر «احادیث متواتر» است.

کتاب «عقیده اهل السنّة والأثر، فی المهدی المنتظر»، بوسیله حجة الاسلام، استاد، سید هادی خسروشاهی، به نام «مصلح جهانی و مهدی موعود، از دیدگاه اهل سنت»، ترجمه شده است؛ چاپ دوم،

انتشارات روزنامه اطلاعات، (۱۳۷۴ ش)، حتماً مراجعه کنید و بخوانید.

با موسویان گوی که از هاجر عذرا است

با عیسویان گوی که از نسل یثوعاست

با هاشمیان گوی که ذریّه زهراست

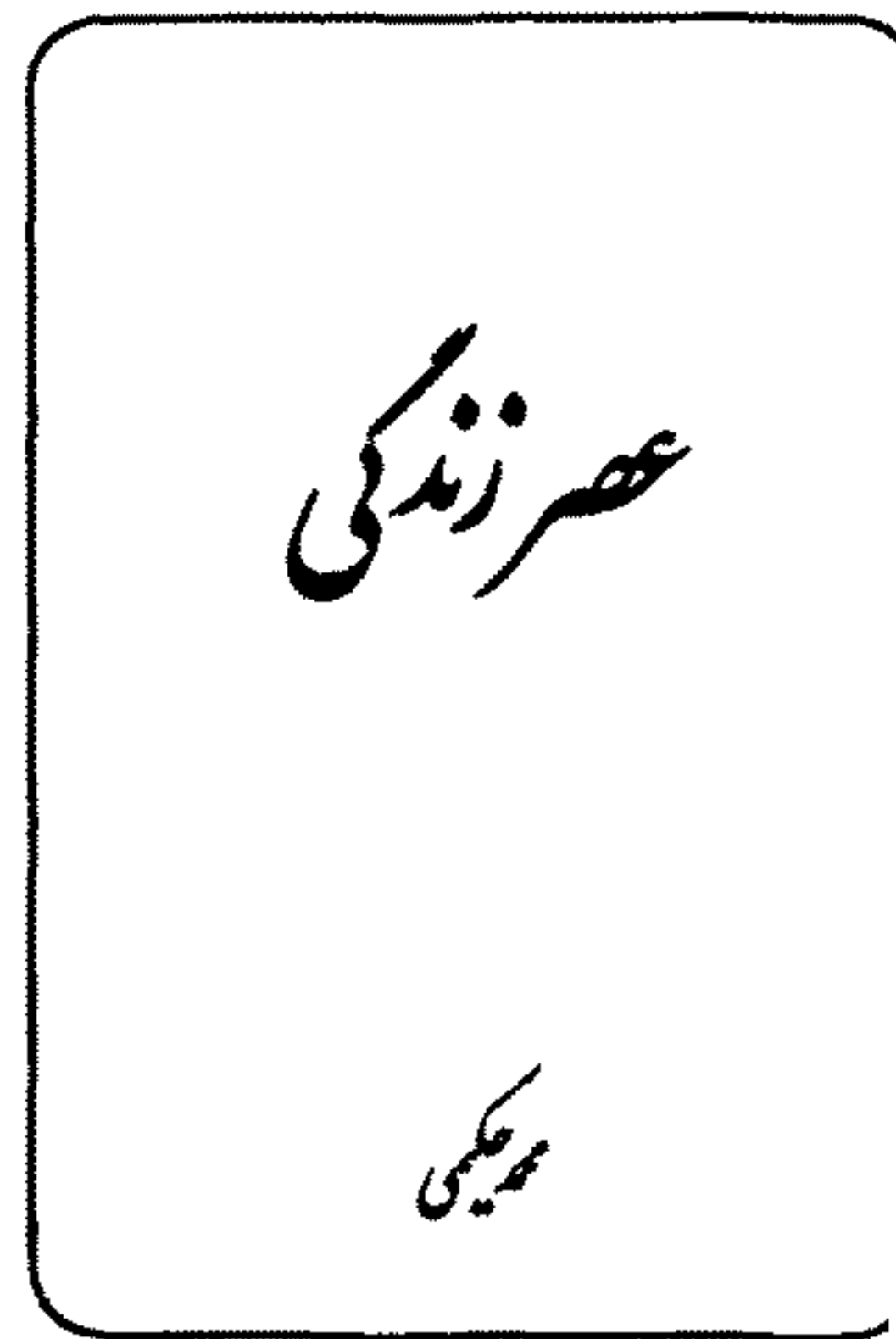
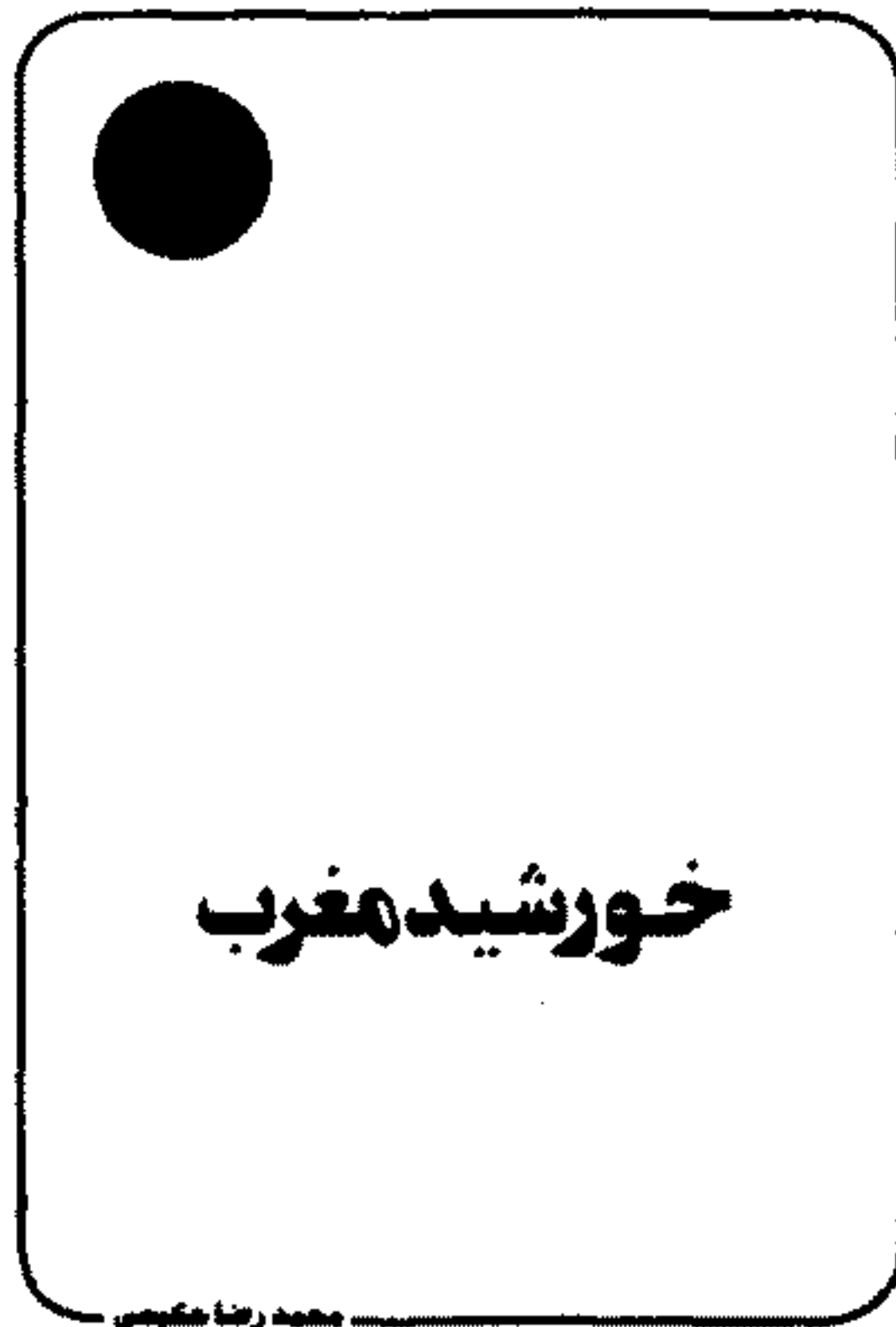
با فارسیان گوی که از دوده کسری است

از شاه‌زنان دخت کیان بانوی ایران

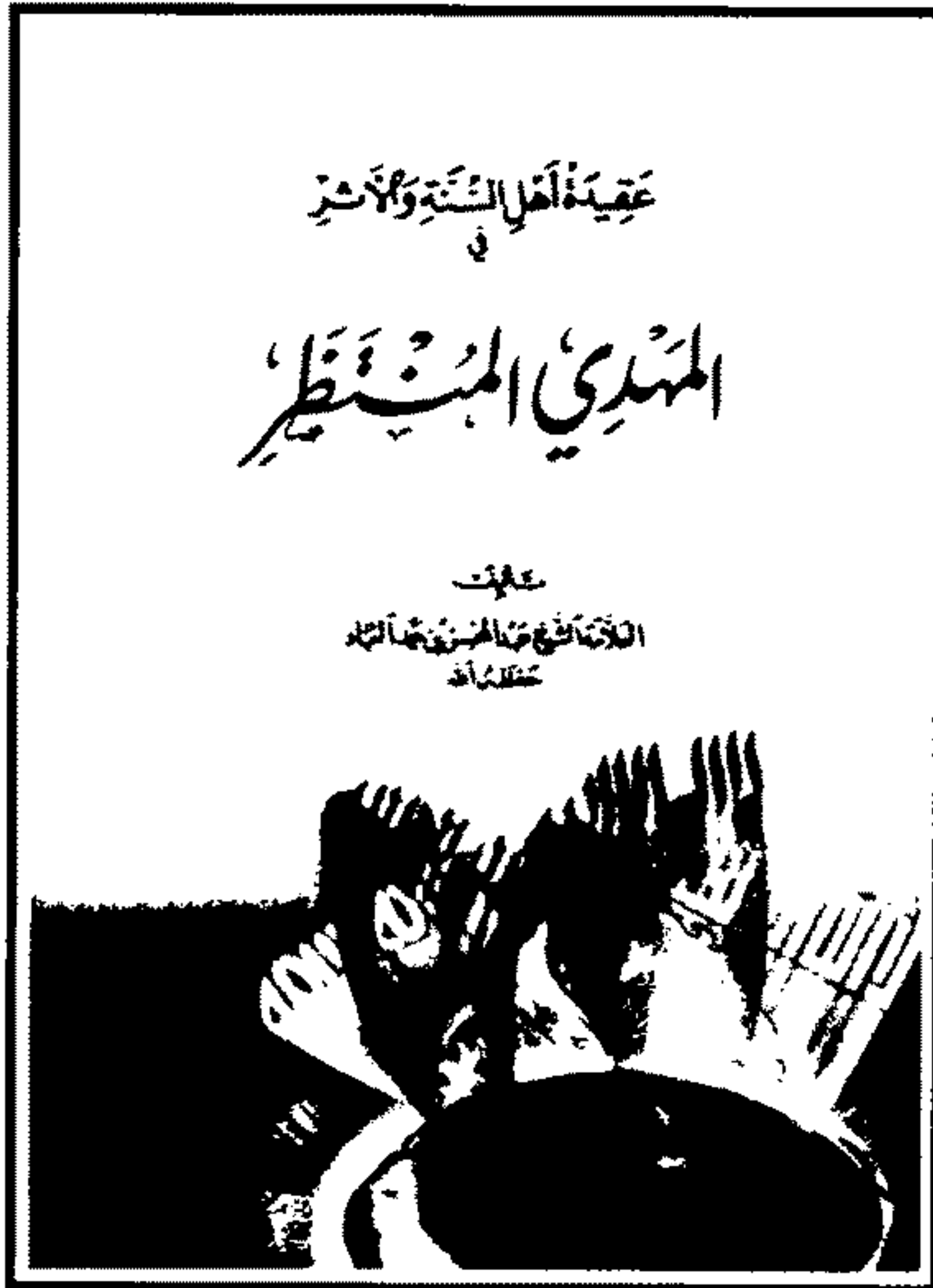
— «آیتی بیرجندی»



ای آفتاب



این کتابها را بخوانید!



این کتاب را بخوانید!